



اعدام ، نشانه ضعف و استیصال

رژیم جمهوری اسلامی!

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی سحرگاه امروز (یکشنبه ۱۹ اردیبهشت) ۵ زندانی سیاسی را در زندان اوین اعدام نمود. بر اساس گزارش روابط عمومی دادسرای عمومی و انقلاب تهران اعدام شدگان فرزند کمانگر فرزند باقی، علی حیدریان فرزند احد، فرهاد وکیلی فرزند محمد سعید، شیرین علم هولی فرزند خدر، مهدی اسلامیان فرزند محمد نام داشتند که امروز در شکنجه گاه اوین به دار آویخته شدند. جمهوری اسلامی برای توجیه این جنایت بیشرمانه با توسل به پرونده سازی های آشکار مدعی شده که نامبردگان در تهران، کرمانشاه و شیراز در "عملیات تروریستی از جمله

بمب گذاری در مراکز دولتی" دست داشته و به "گروه های ضد انقلاب" وابسته بودند. اما، اینها اتهامات دروغینی هستند و گردانندگان جمهوری اسلامی خود بهتر از هر کس دیگر می دانند که تنها از روی استیصال در مقابل رشد مبارزات ظفر نمون توده های بپا خاسته ایران است که چنین جنایتی را مرتکب شده اند تا شاید از این طریق بتوانند در دل مردم ترس ایجاد نموده و از رشد مبارزات آنان جلوگیری نمایند.

واقعیت این است که جمهوری اسلامی که خود را با موج بزرگی از مبارزات توده های به جان آمده مواجه دیده و بر این امر آگاه است که این موج سر ایستادن ندارد، در تلاش است با شکنجه و تجاوز در زندانها و اعدام و نمایش وحشیگری های خود در سطح جامعه به جو رعب و وحشت در جامعه هر چه بیشتر دامن زده و از این طریق سدی در مقابل رشد مبارزات توده ها ایجاد نماید. اما، برعکس تصور سرکوبگران حاکم این شکنجه ها و تجاوزها در زندانها و این نمایش سیوعانه رقص انسانها بر چوبه دار هرگز نمی تواند در عزم مردم ما در مبارزه تا نابودی جمهوری اسلامی خللی وارد سازد.

فرزاد کمانگر، یکی از زندانیان سیاسی که امروز بدست جنایتکاران حاکم به دار آویخته شد، معلمی بود که در نامه ای که قبلاً به معلمان کشور نوشته بود تاکید کرده بود: "نمی توانم تصور کنم در سرزمین "صمد"، "خانعلی" و "عزتی" معلم باشیم و همراه ارس جاودانه نگردیم. نمی توانم تجسم کنم که نظاره گر رنج و فقر مردمان این سرزمین باشیم و دل به رود و دریا نسپاریم و طغیان نکنیم؟" بله، فقر و بدبختی، ستم و استثمار و فجایع گوناگون ناشی از سیستم سرمایه داری حاکم بر ایران چنان خشم و نفرتی در دل توده های ما نسبت به آن سیستم و رژیم حامی آن بوجود آورده که آنها برای از بین بردن وضع ظالمانه و نکبت بار موجود، به طغیان بر می خیزند. همچنان که اعدام های جنایتکارانه اخیر نیز طغیان های بیشتری را دامن زده و خنجر های انتقام را تیز تر خواهد ساخت. بیهوده نیست که با توجه به کرد بودن بعضی از اعدام شدگان اخیر و از جمله فرزند کمانگر، آزادیخواهی که از چند سال پیش در زندان بسر می برد، مقامات جمهوری اسلامی همزمان با ارتکاب به جنایت اخیر، نیروهای سرکوب خود را به منطقه کامیاران گسیل کرده و به این ترتیب وحشت خویش را از سر ریز شدن خشم توده های تحت ستم کردستان به نمایش گذارده است.

ضعف و استیصال جمهوری اسلامی در مقابل رشد مبارزات قهرمانانه توده های جان به لب رسیده ایران یک واقعیت است؛ و در شرایطی که این رژیم جنایتکار قادر به خاموش کردن مبارزات مردم نیست، مبارزات و مقاومت های گسترده کنونی راه پیروزی را هموار می نمایند، همانطور که فرزند کمانگر نوشت: "می دانم روزی این راه سخت و پر فراز و نشیب، هموار گشته و سختی ها و مرارت های آن نشان افتخاری خواهد شد "برای تو معلم آزاده"، تا همه بدانند که معلم، معلم است حتی اگر سد راهش فیلتر گزینش باشد و زندان و اعدام، که آموزگار نامش را، و افتخارش را ماهیان کوچولویش به او بخشیده اند، نه مرغان ماهیخوار".

بی شک "ماهیان کوچولو" به هم پیوسته و با اتحادشان شرایط نابودی رژیم معلم کش جمهوری اسلامی، رژیم دار و شکنجه و اعدام را مهیا کرده و راه رسیدن به جامعه ای که در آن از زندان و شکنجه و اعدام اثری باقی نمانده باشد را هموار خواهند ساخت.

نگ و نفرت بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

پیروز باد رزم دلاورانه توده های ستمدیده!

جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید گردد!

با ایمان به پیروزی راهمان

چریکهای فدائی خلق ایران - ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۹